خراسان شمالی

روزنامه خراسان شمالی؛ گروه چهارم نشریات
روزنامه‌سیاسی،اقتصادی،فرهنگی،اجتماعی خراسان شمالی
سه شنبه ۲۹ بهمن ۱۳۹۸
۲۳ جمادی الثانی ۱۴۴۱ . شماره ۳۲۱۵

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیر مسئول: محمد سعید احدیان
سردبیر: علی ولی‌زاده
دفترمرکزی: مشهد،بلوارشهیدصادقی(سازمان‌آب)

صندوق پستی: ۵۱۱-۹۱۷۳۵
تلفن: ۳۷۶۳۴۰۰۰-۰۵۱
نمابردبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵-۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹ چاپ:شهرچاپ‌خراسان

آدرس: بجنورد،خیابان طالقانی غربی،خیابان صمدیه لباف، صمدیه لباف ۱۶، کوچه دوم، پلاک ۹
تلفن اشتراک: ۳۲۲۳۰۰۷۱
صندوق پستی: ۹۴۱۵۵/۱۴۷۷
دفترمرکزی پذیرش آگهی: ۳۲۲۴۵۰۰۵

تحریریه: ۳۲۲۴۷۲۲۲-۳۲۲۲۲۲۱۱
نمابر: ۳۲۲۴۷۲۲۳
مسئول تحریریه: ۳۲۲۳۰۰۲۸
تلفن و نمابرسرپرست: ۳۲۲۳۰۰۱۴

ماجرای کارمندی که خود را بازخرید کرد و مسافرکش شد

هم نشینی با «گرگ»

صدیقی

آرزوی نفس کشیدن در هوای تازه و بیرون از زندان در نگاهش موج می زند اما خوب می داند که همچنان باید پشت میله ها به انتظار بنشیند و حسرت دوران ساده زندگی خودش را بخورد. می گوید کاش کمی از پدرش الگو می گرفت که چطور در اوج نیاز با عزت و کرامت بین مردم روزگار می گذراند.

زندگی اش زمانی در سراشیبی سقوط افتاد که دست دوستی به آدم های طماع داد و البته خودش هم مقصر بود که وسوسه شد و زندگی آرام و بی استرس خود را پر از دغدغه کرد تا اکنون با دلی شکسته پشت میله های زندان روزهای حبس خود را یکی یکی خط بزند. مرد جوان زندانی از زندگی الاکلنگی خود پرده برمی دارد و می گوید: زندگی ساده ای داشتیم، پدرم یک بقالی کوچک در محل داشت و از این طریق امرارمعاش می کرد و همه اهالی محل او را به عنوان آدم منصف و با اخلاق می شناختند. فرزند دوم خانواده و بعد از مدرسه کمک حال پدرم بودم. به پیشنهاد دوستانم در مقطع دیپلم وارد یک سازمان دولتی شدم.

روزهای ترقی را در اداره مربوط یکی یکی پشت سر گذاشتم تا این که مدتی بعد از اشتغال برای خودم زندگی خوبی دست و پا و بعد از آن ازدواج کردم تا حلقه موفقیت هایم کامل شود. بالاخره بعد از گذشت یک سال از دوران نامزدی مان زندگی مشترک مان را با هزار امید و آرزو شروع کردیم. اوایل از کارم راضی بودم و همه تلاش خودم را می کردم تا خودم را با شرایط وفق دهم اما هر چقدر بیشتر زمان می گذشت کار در آن سازمان به خاطر دوری از فامیل برای من سخت تر می شد و مجبور بودم به خاطر شرایط کاری ام مدام از یک شهر به شهر دیگری نقل مکان کنم.

اگر چه اعضای خانواده ام با من همراه بودند ولی دوری از فامیل برایم سخت بود برای همین مجبور بودم تصمیم سختی بگیرم و خودم را بازخرید کنم. با پول بازخرید یک کامیون خریدم و دل به جاده و بیابان زدم . مدتی از کار با کامیون در جاده ها گذشت و این بار هم از جاده خسته شدم و کامیون را فروختم.

بعد از فروختن کامیون یک قطعه زمین خریدم و سرپناهی برای خانواده ام ساختم و با بقیه پول هم یک خودروی شخصی خریدم و مشغول مسافرکشی شدم و در داخل شهر و گاهی هم در بیرون از شهر مسافر جا به جا می کردم.

مدتی گذشت تا این که به واسطه جا به جایی مسافر دوستان زیادی برای خودم دست و پا کردم و تقریباً در همه جا دوست و آشنا داشتم.

این ماجرا گذشت تا این که روزی در حین جا به جایی مسافر با چند نفر که در کار خلاف بودند، آشنا شدم و این مقدمه ای شد برای آوارگی من و وارد شدنم به باتلاق مواد و نزدیک شدن به لبه پرتگاه. هر چند اوایل با خودم کلنجار می رفتم تا از این کارها فاصله بگیرم اما وسوسه پول باد آورده بر من غلبه کرد و در دام حرف های خیالی و وسوسه انگیز آن ها افتادم و وارد جاده بی انتهایی شدم تا زودتر به آرزوهای دور و دراز خودم برسم. بالاخره تسلیم طمع و دوستان شیطان صفت خودم شدم و چند بار با هم کمی مواد جا به جا کردیم و پول خوبی به دست آوردیم. دیگر پول مسافربری برایم جذابیتی نداشت و بعد از آن مسافران من مواد و آدم های قانون گریز بودند.

روزی دو قاچاقچی که مقداری هروئین همراه خود داشتند از من خواستند در قبال دریافت مبلغ دندان گیری آن ها را به عنوان مسافر به یکی از شهرهای استان مجاور ببرم. وسوسه و با آن ها همراه شدم و به سوی مقصد مورد نظر حرکت کردیم. وقتی به محل رسیدیم دو قاچاقچی از خودرو پیاده شدند و از من خواستند جلوی منزل منتظر آن ها بمانم تا برگردند.

مدتی در محل منتظر ماندم که ناگهان ماموران آمدند و ما را دستگیر کردند و همه مواد هم کشف شد. بعد از دستگیری به خاطر همکاری با قاچاقچیان حکم حبس ابد به من خورد. الان ۸ سال است که در زندان خواب آزادی را می بینم و تمام رویاهایم نقش بر آب شد. با ندانم کاری ام خانواده ام را به دردسر بزرگی انداختم و در واقع زندگی و آینده خودم و آن ها را به نابودی کشاندم. بعد از زندانی شدنم همسرم برای تامین مخارج زندگی در خانه های مردم کار می کند تا لقمه نانی به خانه ببرد و دست شان جلوی دیگران دراز نباشد. بچه هایم همزمان در کنار درس خواندن کار می کنند تا کمک حال مادرشان باشند.

می دانم اشتباه کردم و نباید طمع می کردم و باید به داشته های خودم هر چند کم بود، قانع می بودم تا مثل الان چوب زیاده خواهی هایم را با از دست دادن عمر و جوانی ام در پشت میله ها نخورم و رسوا نشوم.

> روزی دو قاچاقچی که مقداری هروئین همراه خود داشتند از من خواستند در قبال دریافت مبلغ دندان گیری آن ها را به عنوان مسافر به یکی از شهرهای استان مجاور ببرم

دختری زیر چادر بی مهری

صدیقی- مدام بین پدر و مادرش دعوا و مشاجره بود. دختر جوان هر روزش را با ناسزاگویی مادرش شروع می کرد و انگار مهر مادر به فرزند در میان نبود. پدرش یک کارمند ساده بود و دست شان جلوی کسی دراز نبود. مادرش مدام بهانه می گرفت و با همسرش دعوا و او را تحقیر می کرد. زن جوان می گوید: پدرم بعد از کار در اداره تا دیر وقت مسافرکشی می کرد و زمانی که خسته به خانه برمی گشت مادرم زندگی مان را با دیگران مقایسه می کرد و نق می زد. پدرم اعتیاد داشت و زبانش پیش مادرم کوتاه بود، از طرفی او نمی خواست زندگی ما از هم بپاشد و سکوت می کرد. علت عصبانیت مادرم اعتیاد پدرم بود اما این ظاهر ماجرا بود. مادرم وقتی از خانه بیرون می رفت دیر وقت به خانه برمی گشت و کسی هم جرئت اعتراض نداشت. خوب می دانستم رشته زندگی پدر و مادرم به یک تار مو وصل است و هر لحظه احتمال فروپاشی آن وجود دارد.

بهانه های مادرش هر روز بیشتر می شود تا این که اعتیاد همسرش را بهانه می کند و درخواست طلاق می دهد و خیلی هم طول نمی کشد که از شوهرش جدا می شود. مادر دختر جوان بعد از مدتی با فردی دیگر ازدواج می کند. او می گوید: وقتی این رفتار مادرم را دیدم افسرده شدم و قرص اعصاب مصرف کردم. پدرم بعد از جدایی از مادرم اعتیادش بیشتر شد و به خاطر همین از محل کارش اخراج و روزگار ما سیاه شد. ناچار شدم ترک تحصیل کنم و در خانه به خواهر و برادر کوچک ترم برسم. این ماجرا مدتی ادامه داشت تا این که روزی برادر کوچک ترم در یک سانحه تصادف فوت کرد و من تنهاتر شدم. بعد از گذشت مدتی از فوت برادرم متوجه شدم پدرم با گرفتن دیه برادرم قصد ازدواج مجدد دارد. بابت این موضوع خیلی به هم ریختم چون تحمل حضور نامادری را نداشتم. منتظر فرصتی بودم که خودم را از این وضعیت خلاص کنم تا این که به اولین خواستگارم بدون انجام تحقیقات لازم جواب مثبت دادم و با او ازدواج کردم.

رضایت از زندگی زناشویی چندان برایم مهم نبود و همین که از آن خانه خلاص شده بودم خوشحال بودم. بعد از گذشت مدتی از زندگی مشترک مان صاحب فرزند شدم و خیلی خوشحال بودم و تمام سعی ام را کردم تا برخلاف مادرم که از سوی او مهر مادری ندیده بودم مادر خوبی برای دخترم باشم. سرم به زندگی و بچه ام گرم بود و برای شرایط بد گذشته ام ناراحتی اعصاب پیدا کرده بودم و مدتی در بیمارستان بستری شدم.

بعد از مرخص شدن از بیمارستان به شوهرم شک کردم که او هم راه نافرجام مادرم را می رود و پای یک نفر دیگر در میان است.

دیگر از مهر و محبت شوهرم خبری نبود و هر روز بی میلی و بی محلی های او به من بیشتر شد تا این که دوباره صحنه های دوران کودکی ام و بی مهری مادرم در ذهنم تداعی شد.

یک روز دعوای خونینی به راه انداختم و با چوب به جانش افتادم و او را زخمی کردم. بعد از این ماجرا شوهرم دیگر حاضر نشد با من زندگی کند و به بهانه ناراحتی اعصاب و روان درخواست طلاق داد. حالا به دادگاه خانواده آمده ام تا ببینم زندگی مشترکم به کدام سو خواهد رفت.

تلنگر

تکلیف فردی که به احضاریه دادگاه بی توجهی می کند

متهمی که توسط مرجع قضایی احضار می شود طبق ماده ۱۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری مکلف به حضور در موعد مقرر است و اگر بدون عذر موجه حضور نیابد به حکم ماده ۱۷۹ از همان قانون به دستور بازپرس جلب می شود.ماده ۱۷۸- متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند. موارد زیر عذر موجه محسوب می شود:

الف- نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه ای که مانع از حضور شود.

ب- بیماری متهم و بیماری سخت والدین، همسر یا اولاد وی که مانع از حضور شود.

پ- همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم فوت شود.

ت- ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماری های واگیردار و بروز حوادث قهری مانند سیل و زلزله که موجب عدم امکان تردد شود.

ث- متهم در توقیف یا حبس باشد.

ج- سایر مواردی که عرفاً به تشخیص بازپرس عذر موجه محسوب می شود.

تبصره- در سایر موارد، متهم می تواند برای یک بار پیش از موعد تعیین شده، بازپرس را از علت عدم حضور خود مطلع سازد و موافقت وی را دریافت نماید که در این مورد، بازپرس می تواند در صورت عدم تأخیر در تحقیقات، تا ۳ روز مهلت را تمدید کند.

منبع: میزان

محکومیت یک گران فروش از سوی تعزیرات اعلام شد

ترازوی سوراخ شده

صدیقی- یک خواربار فروش به خاطر گران فروشی به پرداخت جریمه محکوم شد.

به گفته مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی، بر حسب گزارش سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مبنی بر گران فروشی توسط یک متصدی خواربار فروشی در بجنورد، پرونده ای در این باره در تعزیرات تشکیل شد. «سیدالموسوی» اعلام کرد: این پرونده در شعب ویژه تعزیرات بررسی و پس از احراز تخلف صورت گرفته، متخلف به پرداخت ۱۶ میلیون ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم شد.

کارآفرینی، اشتغال، توسعه پایدار

مهندس روح ا... ساعدی

شجاع و مردمی

کاندیدای یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی از حوزه بجنورد مانه و سملقان، گرمه و جاجرم، راز و جرگلان و غلامان

به نام خدا

روح ا... ساعدی هستم متولد شهرستان بجنورد، کارآفرین و صنعتگر. بیش از ۲۴ سال سابقه اجرایی در پروژه های عمرانی، صنعتی و کشاورزی دارم. کارشناس مهندسی مکانیک، کارشناسی ارشد مدیریت پروژه و ساخت و دکتری حرفه ای دوره ای مدیریت کسب و کار (دانش پذیر) دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
دوران ابتدایی و راهنمایی را در شهرستان راز و جرگلان و توابع سپری نمودم.
لازم به ذکر است در تمامی مدت تحصیل از ابتدایی تاکنون به دلیل علاقه به کار، محدودیت ها و تهدیدها را تبدیل به فرصت نموده و همزمان با مدت تحصیل به مشاغل گوناگون (کشاورزی، ساختمان، فنی و مهندسی، مکانیکی سبک و سنگین، حمل و نقل و مشاور املاک) مشغول بودم.

انگیزه و هدف:

با توجه به مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و مشاهده موانع متعدد و چالش های موجود در جامعه برآن شدم تا به عنوان فردی موثر و مفید ابتدا در راستای شناسایی و ریشه یابی مشکلات و معضلات گام برداشته و در حد توان و اندیشه خود راهکار مناسب ارائه نمایم. بنده به مشکلات بی تفاوت نبوده و فردی متعهد هستم.

ریشه یابی مشکلات:

با کمی تأمل به راحتی می توان دریافت، مشکلات فعلی جامعه در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، صنعتی، کشاورزی، اشتغال، ازدواج و ... ناشی از ضعف، ایراد، ابهام و عدم شفافیت قوانین مربوطه و برداشت‌های فردی و سلیقه ای در روند اجرای قوانین در سازمان ها می باشد.
در واقع قوانین فعلی موانعی بزرگ بر سر راه تولید و توسعه صادرات، اشتغال، اقتصاد و... می باشد. متاسفانه ناخواسته قوانین به گونه ای وضع شده که در حال حاضر بازده و خروجی آن، خدمت گزاری مردم به قانون است!!! در حالی که بایستی قوانین به نحوی وضع گردد که در خدمت مردم و رفاه اجتماعی باشد.

همه می دانیم اختیارات و وظایف قوه مقننه (مجلس و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی) قانون گذاری و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مصوبات می باشد. امام خمینی(ره) فرمودند: مجلس دررأس امور است.
لذا ضعف این موارد ممکن است ناشی از ضعف نمایندگان ادوار گذشته در مجلس باشد و علت آن نیز انتخاب نمایندگانی که اغلب تئوریسین و وابسته به حزب یا جناح سیاسی خاصی بودند در حالی که بایستی علمگرا و آشنا به موارد اجرایی بوده و سوابق مربوطه را داشته باشند.
لذا عدم آشنایی آنان به عملیات اجرایی و مدیریتی منتج به وضع قوانین دست و پا گیر شده است.

راهکار:

سوال : چناچه با خودرویی در حال سفر هستید و خودرو به دلیل نقص فنی متوقف شود چه می کنید؟

قطعا با تعمیر گاه مجاز سیار یا مکانیک فنی تماس می گیرید نه تئوریسین های تحصیل کرده بدون سوابق اجرایی و فنی.
به نظر بنده مشکلات فعلی جامعه ما نیز با توجه به قوانین نامناسب موجود تنها به دست جوانان کارآفرین، مهندسین، متخصصین متدین، متعهد و انقلابی که آشنایی کامل با روش های اجرایی را دارند حل می شود. اینان بایستی قوانین را بر اساس اصول اجرایی واقع بینانه بررسی، ویراش، اصلاح و تسهیل سازی نمایند. لذا با توجه به موارد فوق، مشکلات و تهدیدهای جدی پیش رو (تحریم و ....) بهترین و منطقی ترین راه جهت برون رفت از مشکلات فعلی جامعه، انتخاب افراد با شاخص‌های مذکور به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی، در این دوره به منظور، به روز رسانی قوانین، رفع نواقص قوانین، محدودیت و ابهامات موجود در راستای شفاف سازی و نیل به اهداف متعالی مردم، نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهنمودهای مقام معظم رهبری می باشد.